خبر

ادغام موسسات مالی ادامه دارد

■ **ایسنا:** رییس کل بانک مرکزی با اشاره به برنامه‌های این بانک در مورد موسسات مالی و اعتباری و همچنین ممنوعیت توسعه شعب بانک‌های خصوصی و دولتی متذکر شد: ما در این دو، سه سال این موسسات را به هم ریختیم. محمود بهمنی، رییس کل بانک مرکزی با اشاره به توقف توسعه شعب بانک‌های خصوصی و دولتی می‌گوید: ما به دنبال آن هستیم که در سال‌جاری به جای توسعه کمی، توسعه کیفی را بالا ببریم اما گاهی در شهرک‌های جدید اجازه این کار را می‌دهیم ولی در مجموع طی امسال دیگر اجازه توسعه شعب را نمی‌دهیم. وی در مورد بحث رشد موسسات اعتباری و سیاست ساماندهی آنها نیز اظهار می‌کند: تا چند سال پیش کسی به موسسات اعتباری کاری نداشت و ما در این دو، سه سال اینها را به هم ریختیم و خیلی سخت است. البته ما نمی‌گوییم اینها درست شده‌اند اما ۱۷۰۰ تعاونی به ۱۴ تعاونی تبدیل شده‌اند که حتما اینها فشار می‌آورند و اصلا منکر آن نیستیم. بهمنی با اظهار امیدواری از اینکه با کمک مجلس این موسسات ساماندهی شوند، در مورد ادغام موسسات مالی و بانک‌ها بیان می‌کند: حسن این ادغام‌ها این است که سهامداران به اندازه سهام خود سهیم می‌شوند و براساس آورده یا مطالبات نقد و غیرمنقول در این سهام شریک هستند. با این ادغام‌ها حتما سهامداران آن سود بیشتری می‌برند.

وام مسکن گران شد

■ **ایسنا:** به‌رغم کاهش تعداد معاملات و رکود شدید در بازار مسکن، در آغاز فصل نقل و انتقالات، دلالان وام مسکن قیمت خرید و فروش آن را افزایش داده‌اند. با وجود اینکه رکود بر بازار مسکن سایه انداخته است براساس اظهارات دلالان وام مسکن مبلغ خرید و فروش وام‌ها حدود ۳۰۰، ۴۰۰هزارتومان گران‌تر شده است. به گفته این دلالان هر چند معامله در حال حاضر به‌خصوص در بخش خرید و فروش مسکن کم است ولی از حدود ۱۰ روز قبل به علت نقل و انتقالات برای خرید خانه قیمت وام‌ها افزایش یافته است. قیمت هر وام ۱۸میلیون تومانی مسکن درحال حاضر دومیلیون و۲۰۰هزار تومان و قیمت هر وام ۲۰میلیون‌تومانی، دومیلیون و ۷۰۰هزار تومان است که این رقم‌ها براساس تامین ضامن از سوی دلالان افزایش می‌یابد. به اعتقاد کارشناسان در کلانشهرهایی نظیر تهران که قیمت واحدهای مسکونی در هر شرایطی کمتر از صدمیلیون تومان نیست این وام‌ها تنها ۱۰درصد از قیمت یک خانه را پوشش می‌دهند.

پاسداشتی برای درگذشت مصطفی علی مدد

حسابداری و توسعه اقتصادی

حسین عبده تبریزی

سال‌های اخیر در ایران، در وضعیتی ناخواسته قرار گرفته‌ایم که بافت مالکیت به شکل عمده‌ای تغییر کرده است: ترکیب مالکیت بیشتر به سمت تراکم ثروت در دست افراد ثروتمندتر حرکت می‌کند. این درحالی است که درصد قابل‌ملاحظه‌ای از شهروندان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. به‌دلیل وجود شواهد اولیه در مورد نامناسب بودن وضعیت، توجه به ترکیب مالکیت برای دولت اهمیت عمده‌ای یافته است. چالش اصلی کشور در هزاره سوم، هم‌چون بسیاری از کشورهای در حال توسعه جهان، آن است که سرزندگی اقتصادی کشور حفظ شود. برای تحقق این هدف، ایران نیاز دارد که در نظام مالی خود به اصلاحات ساختاری بپردازد؛ نظامی که مسیر تدارکاتی اقتصاد کشور است و برای کارکرد صحیح این نظام، حسابداری دست‌مایه کار است. جامعه روشنفکری ایران ناچار به‌طور دایمی در معرض این پرسش بزرگ است که آیا کشور علاقه‌مند است به‌مثابه جامعه‌ای یک‌پارچه و منسجم با آینده‌ای اطمینان‌بخش پیش رود یا می‌خواهد به جامعه‌ای تبدیل شود که در آن گروه‌های اقتصادیِ پراکنده و متفاوت، بدگمان نسبت به آینده و یکدیگر با تنش در کنار هم زندگی کنند. طبعا این جامعه و در کنار آن حسابداران نمی‌خواهند ایران به کشوری در مجموعه جهان در حال توسعه بدل شود که از نظر اقتصادی جامعه‌ای طبقاتی و لایه‌لایه شده است؛ نمی‌خواهند درصد محدودی از ثروتمندان کشور کانون تمرکز بیشترین ثروت و درآمد باشند. از توجه به چنین متغیرهایی است که مفهوم توسعه پایدار شکل می‌گیرد. ثبات سیاسی نیازمند آن است که با سرعت بسیار وضع طبقه متوسط در جامعه ایرانی بهبود یابد. طبقه متوسط ایران کوچک است و توان آن را ندارد که با تقویت موقعیت خود، ثبات سیاسی لازم برای کشور را فراهم آورد، چرا که به‌طور دایم روی دستور جلسه اقتصادی متمرکز شده است. بدین‌منظور نرخ‌های رشد اقتصادی بالاتر مورد نیاز است. امری که بدون‌برقراری نظام‌های کنترلی و نظارتی، از جنس خدماتی که حسابداران ارایه می‌دهند، ناممکن است. همه ما قبول داریم توسعه کشور بدون ارایه گسترده خدمات حسابداری و حسابرسی ممکن نیست، توسعه، متضمن کنترل و نظارت است و جامعه حسابداری و حسابرسی کشور، در اِعمال چنین نظارت‌هایی و در تولید اطلاعات لازم برای توسعه اقتصادی ایران نقش درجه اولی دارد. اتفاقاتی شبیه واقعه انرون و واقعه ورلدکام که زمینه تصویب قانون اکسلی بود، نشان داد که هرچند تمدن قرن بیست‌ویکم بدون شکل‌گیری شرکت‌های سهامی عام بزرگ و اختراع ابزارهای مالی جدید ناممکن بوده است، اما در عین‌حال بدون نظارت بر این نهادها، بروز وقایعی چون بحران سال ۲۰۰۷، حیات اقتصادی کشورها را به خطر می‌اندازد. حسابداران و حسابرسان ایران به‌رغم همه مشکلات، حجم عظیمی از اطلاعات را تولید می‌کنند و در اختیار کسب‌وکارها قرار می‌دهند. اطلاعاتی که بخش عمده آنها متاسفانه مورد استفاده سرمایه‌گذاران و دست‌اندرکاران اقتصاد قرار نمی‌گیرد. در نبود اطلاعات تولیدی حسابداران، تصمیم‌گیری بدون‌اطلاعات و دستکاری در نظام قیمت‌ها، شفافیت حداقلی موجود را هم از بین می‌برد و باعث می‌شد تخصیص منابع در اقتصاد ایران حتی به‌شکل نادرست‌تری انجام شود و توسعه با هدف اشتغال و سرمایه‌گذاری حتی در سطح نازل جاری هم به‌وقوع نپیوندد. برای اینکه چنین اتفاقی نیفتد، بی‌شک حسابداران نقش درجه اول و مهمی دارند. بدیهی است جامعه حسابداری کشور دایما نگران موضوعات مختلفی بوده که رفع مشکلات در آن حوزه‌ها را در راستای توسعه ایران می‌دیده است و علی‌مدد نیز در این تب‌وتاب دایمی با دیگر حسابداران، به رفع پاره‌ای از این مشکلات همت گماشته است. روحیه آزاده‌طلبی علی‌مدد، روحیه‌ای بود که بگوید مطمئن نیست که درست می‌گوید. بی‌شک روحیه هدایت صحیح و رهبری صحیح آن روحیه‌ای است که مطمئن نیست که در همه زمان‌ها درست می‌گوید. در واقع وی از جمله آموزگاران و مدیرانی بود که مطمئن نبود حق با اوست و چنین بود که علی‌مدد عمیقا به دیگران گوش فرا می‌داد. مارک تواین روزگاری گفته است حضرت آدم (ع) تنها انسان روی کره خاکی بوده که می‌توانسته با اطمینان ادعا کند که آنچه می‌گوید را برای اولین بار او به زبان رانده است. بنابراین، علی‌مدد می‌دانست بسیاری از آنچه را که می‌خواسته بگوید، قبلا گفته شده است و چنین بود که به‌کار دیگران سخت ارج می‌نهاد. فرهنگ دینی و ملی ما ریشه در این دوانده است که برخوردهای ما با عدالت همراه شود. افراد موفق آنانی هستند که با آغوش باز با مشکلات مواجه می‌شوند و فرا گرفته‌اند خوشبین باشند، به‌ویژه در آن ساعاتی که اوضاع مبهم و تاریک است و وقتی‌خبری خوش فرا می‌رسد یا اقبال رو می‌کند، از فرصت‌ها استفاده می‌کنند. شیوه‌ای که مصطفی علی‌مدد مساله شکل‌گیری حرفه حسابداری را دنبال کرد و خوشبختانه به تولد جامعه حسابداران انجامید، بسیار منطبق با این الگو بود. علی‌مدد با بزرگواری برای همه آنچه انجام می‌داد، معتقد بود که کار بزرگی نکرده و اگر هم کاری کرده است، کشور و اقتصاد ایران استعداد آن را داشته است. معتقد بود اینکه ما چه‌قدر کار انجام می‌دهیم، چندان اهمیت ندارد که چه‌قدر با علاقه این کارها را انجام می‌دهیم. یله‌نشستن و کاری نکردن برای وی بس دشوار بود، حتی اگر عده زیادی علیه او حرکت می‌کردند. وی از جمله صاحب‌نظرانی بود که فراگرفته بود روی اشتباهات خود سرمایه‌گذاری کند. با اینکه علی‌مدد در شیوه زندگی خود قناعت‌پیشه بود و به‌دلیل گرایش‌های اومانیستی و انسان‌گرایانه عمیق خود، بسیاری از ظواهر غربی را نمی‌پسندید، اما بازار را اختراع نظام سرمایه‌داری نمی‌دانست و معتقد بود بازار طی قرن‌های متمادی وجود داشته است و اختراع و ساخته تمدن است. بنابراین، حسابداری را در چارچوب اقتصاد بازار دنبال می‌کرد. حرفه‌ای که علی‌مدد نمایندگی آن را می‌کرد، از جنس حرفه‌ای بود که عرفانی‌ها، سجادی‌نژادها و اکبری‌ها نماینده آن بودند. هرچند که این حرفه زندگی مادی همه این بزرگان را پاسخگو بود، اما انگیزه‌ای که آنان را به حرکت درمی‌آورد، از جنسی بود که با روح و قلب حسابداران رابطه داشت. در این نحله از حسابداران، عشق، افتخار، دلسوزی، غرور، احترام، آبرو، شرف، حرمت، نام نیک، رضای خدا، عزت نفس، مباهات، همدردی، ایثار، گذشت، فداکاری و... معناهای عمیق خود را داشتند و حسابداران برای بیان و پافشاری روی این صفت‌ها، مورد استهزا قرار نمی‌گرفتند. حسابداران جوان دوباره باید با این مفاهیم آشنا شوند. باید آموزش ببینند که از چیزهایی بترسند و نگران آنها باشند. در عین‌حال، در انجام مسوولیت‌های خود به شجاعت نیازمندند. در فرآیند اجرای کارهای خود، ناچارند به حقایق و واقعیت‌ها رو کنند؛ واقعیت‌هایی که از جنس قلب و روح‌اند. به همان حقایق جهانی که بدون‌توجه به آنها، هر کاری زودگذر و فناپذیر است. بی‌شک در جوامع حسابداری همه کشورها، بسیاری را می‌توان یافت که اخلاق حرفه‌ای را به جد رعایت می‌کنند. اما اینکه همه ما تا این حد مصطفی علی‌مدد را در شرایط امروز ایران متمایز کرده و به او موقعیت والا می‌دهیم به شرایط نامناسب و محیط کسب‌وکار در ایران برمی‌گردد. اگر امروز نام مصطفی علی‌مدد را دایما تکرار می‌کنیم، برای این همه تاریکی است که بر عرصه اقتصادی کشور سایه انداخته است. همه می‌دانیم که فقط در تاریکی است که می‌توان ستاره‌ها را به‌وضوح دید. آنچه علی‌مدد انجام داده است، ادای وظیفه حرفه‌ای است. اما در کشوری زندگی می‌کنیم که ادای وظیفه، فضیلت محسوب می‌شود. آتشی در درون جامعه فکری ایران است که هیچ آبی آن را فرو نمی‌نشاند و هیچ خاکستری آن را خاموش نمی‌کند: مساله ناعدالتی. حل این مساله در گرو توسعه کشور است. آواز روشنفکری ایران همان است که در هر کشور در حال توسعه بلند است: «ایران باید پیشرفت کند؛ باید قدرتمند و آباد باشد.» حسابداران جوان تا زمانی که از چنین چشم‌اندازی به کار خود نگاه نکنند، از منظر توسعه ایران به حسابداری نگاه نکرده‌اند و نقش انسانی و خدماتی حسابداری را نادیده گرفته‌اند. ما که در این مکان به احترام حسابداری اخلاقی گرد آمده‌ایم با پوزش نمی‌پذیریم که کشور ما نمی‌تواند در مسیر توسعه گام بردارد. حسابداران بر نقش خود در این توسعه پا می‌فشارند. کافی است به یاد آوریم که انسان‌ها صرفا از آن‌رو که تلاش می‌کنند، نامیرا و جاودانه‌اند و حسابداران جوانی که می‌خواهند پا بر جای پای علی‌مدد گذارند، این نامیرایی را تداوم می‌بخشند. بله، معذرتا نمی‌پذیریم که همیشه باید در بر همین پاشنه بچرخد و محیط کسب‌وکار کشور نامناسب باشد. معتقدیم نسل جدید حسابداران نه‌تنها به تلاش‌های حرفه‌ای خود ادامه می‌دهند، بلکه در این تلاش‌ها موفق هم خواهند شد. مسیر زندگی علی‌مدد به حسابداران جوان کشور می‌آموزد که نه‌تنها به‌دلیل نقشی که هم‌چون سایر پویندگان دانش دارند، در توسعه این کشور صاحب حق و نقش‌اند، بلکه چون حرفه را از جنس روح و عشق می‌دانند، روحی برای حرمت، عزت نفس، تلاش و ایثار، بی‌شک موفق خواهند شد. علی‌مدد به یاد حسابداران جوان می‌آورد که در مسیر کارشان برای پیشرفت این دانشِ هنوز جوان و در حال رشد در کشور ما، به عزت و آبرو نیاز دارند و باید امید طلب کنند. این حسابداران فرامی‌گیرند که غرور، همدردی، آبرو و فداکاری نمونه‌هایی برجسته و نمایندگانی به‌نام در حرفه آنان دارد. زندگی علی‌مدد به هر فارغ‌التحصیل حسابداری ایرانی می‌آموزد که غیراز تامین حیات مادی خود از گذر این حرفه، به‌عنوان حسابدار، نماینده ملت و زمان خود باشد و از عمر و استعداد خود چیزی را برای «خدمات عمومی» صرف کند. در حوزه آموزش، تحصیلات علی‌مدد و زندگی معلمی او نشان می‌دهد که دانشگاه عرصه‌ای زمینی است که در آن کسانی که از نادانی منزجرند، حداکثر مساعی خود را به‌کار می‌برند تا بفهمند و دانا شوند. آنهایی که گرد آمده‌اند به‌دنبال حقیقت‌اند و تلاش می‌کنند تا دیگران نیز این حقایق را درک کنند. متاسفانه در زمان و مکانی زندگی می‌کنیم که نادانی هنوز به وفور یافت می‌شود و حقیقت کمتر دریافت می‌شود. نحوه برخورد علی‌مدد با زندگی تحصیلی خودش نمایش جاری کمدی ـ درام کشور ما را که پر است از دکترا بازی و مدرک‌طلبی به سخره می‌گیرد. تحلیل زندگی مصطفی علی‌مدد خود سطح زندگی حسابدارانی را که فرصت ادامه حیات دارند ارتقا می‌بخشد و زندگی کردن را با ارزش‌تر می‌کند. زندگی او به حسابداران جوان اجازه می‌دهد خواهان رشد شهروندان و ملت خود باشند، امیدوار باشند و زندگی بهتری را برای فرزندان خود طلب کنند. به آنان اجازه می‌دهد حرفه را از مجرای حسابداری برای رشد پایدار کشور دنبال کنند.

> **زندگی علی‌مدد به هر فارغ‌التحصیل حسابداری ایرانی می‌آموزد که غیراز تامین حیات مادی خود از گذر این حرفه، به‌عنوان حسابدار، نماینده ملت و زمان خود باشد و از عمر و استعداد خود چیزی را برای «خدمات عمومی» صرف کند**

گذر

خلف وعده در تحویل نهاده به دامداران

■ **فارس:** مدیرعامل اتحادیه سراسری دامداران ایران گفت: کارخانه‌داران برای سود بردن و کسب دلار ۱۸۰۰ تومانی، شیر را به عراق، افغانستان، آسیای میانه و حتی کانادا صادر می‌کنند. «سعید سلطانی سروستانی» در پاسخ به اینکه آیا تاکنون نهاده‌های دامی برای توزیع در بین دامداران از وزارت صنعت، معدن و تجارت تحویل گرفته‌اید، گفت: به رغم گذشت بیش از یک ماه از تفاهم‌نامه بین اتحادیه دامداران و مرکز پشتیبانی امور دام تاکنون هیچ نهاده‌ای به این اتحادیه تحویل داده نشده است؛ اما مقداری نهاده از سوی مرکز پشتیبانی امور دام به اتحادیه‌های استانی تحویل و بین دامداران توزیع شده است.

میوه‌های داخلی هنوز نوبرانه‌اند
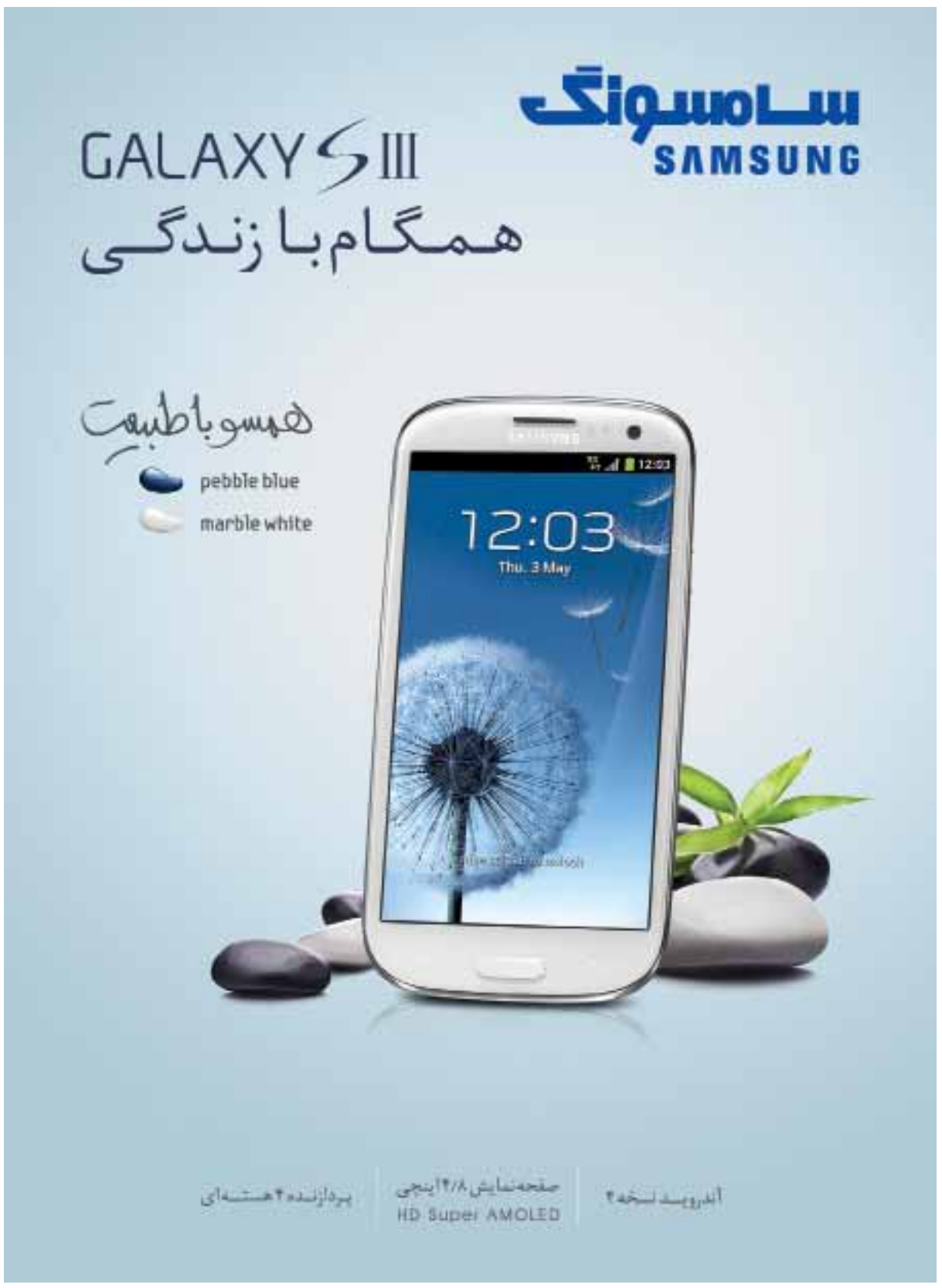
■ **فارس:** این روزها در بازار میوه محصولی چون موز که با طی هزاران کیلومتر راه به کشور می‌رسد، بسیار ارزان‌تر به دست مصرف‌کننده می‌رسد تا میوه‌های داخلی که از اطراف و اکناف به میادین ترهبار رسیده و در مغازه‌های سطح شهر توزیع می‌شوند. هفته گذشته خبری از رییس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی مبنی بر ورود ۷۵۰هزار کارتن موز از کشور فیلیپین و ادامه‌دار بودن این واردات منتشر شد. این مقام مسوول قول داد تا آخر هفته گذشته قیمت موز در عمده‌فروشی‌ها به ۱۲۰۰ تومان برسد، در حالی که قیمت موز در همان زمان در خرده‌فروشی‌ها سه‌هزار تومان بود. گزارش میدانی از سطح بازار حاکی است که در حال حاضر قیمت هر کیلوگرم موز در خرده‌فروشی‌ها به ۱۵۰۰ تومان کاهش یافته است و به دلیل گرانی میوه‌های داخل رغبت مردم به خرید این میوه هم بیشتر است. براساس این گزارش، موز که پس از حمل و طی هزاران کیلومتر از فیلیپین وارد کشور می‌شود نسبت به میوه‌های داخلی قیمت‌های مناسب‌تری دارد و بعد از گذشت بیش از یک ماه از ورود میوه‌های تابستانه به بازار هنوز قیمت‌ها میلی به کاهش ندارند. براساس این گزارش در بازار میوه‌فروشی‌های جنوبی‌ترین نقطه تهران و نه در مغازه‌های لوکس شمال شهر هر کیلوگرم زردآلو ۲۵۰۰، آلبالو ۳۰۰۰، گیلاس ۶۰۰۰، انبه ۵۰۰۰، خربزه ۲۰۰۰، طالبی ۱۰۰۰، آلو ۱۵۰۰ تومان عرضه می‌شود. این گزارش نشان می‌دهد که تقریبا اکثر میوه‌های داخل و آن هم در جنوبی‌ترین نقطه شهر تهران از موز وارداتی که بعد از طی مسافرت هزاران کیلومتر به کشور می‌رسد، گران‌تر هستند. البته قیمت‌میوه در شمال شهر سرسام‌آور است و بعضا خبرهایی از فروش عددی میوه در این مناطق می‌رسد.